

Received: 2024/5/31
Accepted: 2024/8/13
Vol.22/No.84/Summer2025

scientific quarterly journal of Islamic mysticism
erfan.eslami.zanjan@gmail.com
<https://sanad.iau.ir/journal/mysticism>

Analysis of the Mystical and Doctrinal Teachings in the Works of Hakim Nazari Qohestani

Rahimeh Seifi, Hoseengholi Sayyadi, Reza Aghayari Zahed*

PhD Student, Persian Language and Literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.
Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran.*Corresponding Author, Hoseensayyadi10@gmail.com
Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.

Abstract

Hakim Nazari Qohestani is renowned as one of the prominent poets from Qohestani during the seventh and eighth centuries. Drawing from his personal experiences and the chaotic conditions of his society, Nazari expressed his thoughts and ideas through ghazals, odes, and rubaiyat. This article explores Nazari's works' mystical and doctrinal teachings, addressing sincerity, God, Prophet Muhammad (PBUH), Imamate, and Resurrection. The research method employed is descriptive-analytical and documentary-library-based. Initially, books, theses, and articles concerning Hakim Nazari's life and thoughts were reviewed. Following this, the key points and concepts were extracted. The subsequent stage involved a focused examination of works related to his mystical and doctrinal teachings. The findings indicate that Nazari emphasised various mystical and religious themes in his poetry. Notably, one of the most prominent religious themes featured in his ghazals is the belief in God Almighty.

Keywords: Hakim Nazari, teachings, mysticism, belief, Shiaism, Qohestan

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۱۱

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۲۸

دوره ۲۲- شماره ۸۴- تابستان ۱۴۰۴- صص: ۳۰۶-۲۸۷

مقاله پژوهشی

واکاوی آموزه‌های عرفانی و اعتقادی در آثار حکیم نزاری قهستانی

رحیمه سیفی^۱

حسینقلی صیادی^۲

رضا آقایی زاهد^۳

چکیده

حکیم نزاری قهستانی از جمله شاعران بلندآوازه در قهستان است که در قرن هفتم و هشتم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. نزاری با توجه به زمینه‌های زندگی شخصی خود و اوضاع نابسامان جامعه خویش، افکار و اندیشه‌های خود را در قالب غزلیات، قصیده و رباعیات در اختیار مخاطبان قرار داده است. این مقاله نیز به واکاوی آموزه‌های عرفانی و اعتقادی در آثار حکیم نزاری می‌پردازد و مسائلی چون اخلاص، خداوند، حضرت محمد(ص)، امامت، قیامت و غیره را بررسی می‌کند. روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی و اسنادی - کتابخانه‌ای است. بدین گونه که ابتدا کتب، پایان‌نامه و مقالاتی که در باب زندگی و افکار حکیم نزاری را بررسی و بعد از مطالعه این موارد، فیش‌برداری از نکات و مفاهیم لازم انجام شد. در مرحله بعدی به صورت خاص آثار مرتبط با آموزه‌های عرفانی و اعتقادی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که نزاری در اشعار خود به مقوله‌های مختلف عرفانی و اعتقادی توجه ویژه‌ای داشته است. از جمله یکی از مهم‌ترین مضامین اعتقادی که نزاری از آن در غزلیاتش استفاده کرده، اعتقاد به خداوند متعال است.

کلیدواژه‌ها: حکیم نزاری، آموزه‌ها، عرفانی، اعتقادی، شیعه‌نگری، قهستان.

۱- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند ایران. نویسنده مسئول:

Hoseensayyadi10@gmail.com

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

۱- پیشگفتار

زبان و ادبیات فارسی قدمتی بالغ بر هزار سال دارد که از ابتدا تاکنون شاعران و نویسندگان بسیاری در این عرصه هنرنمایی و قلم‌فرسایی کرده‌اند؛ شاعران بزرگی که طبع گرم و لحن دلنشین آن‌ها هرگز از خاطره مردم این مرزوبوم پاک نخواهد شد. یکی از این شاعران پرآوازه زبان و ادبیات فارسی حکیم سعدالدین نزاری قهستانی است. اشعار حکیم نزاری از نظر لفظ و معنا شباهت‌هایی با اشعار حافظ و سعدی دارد. در این مقاله به بررسی آموزه‌های عرفانی و اعتقادی حکیم نزاری پرداخته شده است. برای انجام این تحقیق ابتدا کتب، پایان‌نامه و مقالاتی که در باب آثار و افکار حکیم نزاری تألیف شده را بررسی کرده و بعد از مطالعه این موارد، فیش‌برداری از نکات و مفاهیم لازم انجام شد. پس از آن غزلیات نزاری را در مضامین عرفانی و اعتقادی شیعه‌نگر به صورت جداگانه فیش‌برداری و با توجه به نوع موضوع و معیارهای انجام پژوهش طبقه‌بندی، تحلیل و تدوین شد.

۱-۱- اهداف و پرسش پژوهش

شناسایی آموزه‌های اعتقادی و عرفانی در آثار حکیم نزاری
آثار حکیم نزاری دارای چه نوع آموزه‌های اعتقادی و عرفانی است؟

۱-۲- پیشینه پژوهش

حکیم سعدالدین نزاری قهستانی در یکی از سال‌های پرآشوب و فتنه قرن هفتم هجری، در سرزمین قهستان و در فوداج از روستاهای بیرجند، در خانواده مذهبی دیده به جهان گشود. پدر نزاری، شمس‌الدین بن محمد از تبار مالکان قدیمی و تهی‌دست‌شده شهرستان قهستان بود (بایوردی، ۱۳۷۰: ۴۴-۴۵). حکیم نزاری از آن جمله شاعرانی است که متأسفانه به آثار و آموزه‌های او توجه چندانی نشده است و مورد غفلت پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است، اما چندین نفر از پژوهشگران و نویسندگان درباره آثار، افکار و زندگی حکیم نزاری تحقیقاتی انجام داده‌اند.

مجتهدزاده در مقاله «سعد الله و الدین» قید کرده تردیدی نیست در این که حکیم نزاری قهستانی، شیعی بوده و در خانواده شیعی مذهب تربیت یافته است (مجتهدزاده، ۱۳۴۵: ۱۴). عباس اقبال، مورخ، ادیب و نویسنده معاصر ایرانی نیز در بررسی نظم پارسی در دوره مغول، او را شیعه اثنی‌عشری دانسته

که با توجه به وضعیت آن زمان، مجبور به تأیید و تبلیغ برخی از باورهای اسماعیلیان شده است. مظاهر مصفا نیز درباره باورها و گرایش‌های شیعی او می‌نویسد: قدر مسلم این است که وی مردی عاشق‌پیشه، آزاده و دوستدار اهل بیت (ع) بوده است:

دانی از من، ناشناس را چه آتش در دل است ز آن که هستم خاک پای نقد وقت بوتراب

(نزاری قهستانی، ۱۳۷۱: ۳۸۹).

حکیم در غزلیات خود از اصطلاحات فنی اهل تصوف کمتر استفاده می‌کرد. بیش‌تر شعرهای قلندرانه‌اش پر از شور و حرارت عرفانی با زبانی گاه آتشین و سوزناک است که عشق به حق و انسان کامل و عشق به طبیعت در آن موج می‌زند. هرچه شاعر عارف به پایان زندگی نزدیک شد، تجلی روح عشق و عرفان در او بیش‌تر گردید.

حکیم نزاری با تأثیر از مذهب خود عنایات الهی را در عالم جاری می‌بیند و ذوق و هنرش را نتیجه لطف الهی می‌داند و معتقد است که اگر توجه اهل بیت (ع) نبود، نمی‌توانست به رسالت خویش عمل کند و حقایق را گسترش دهد، چنان که می‌گوید:

به اقبال شاه جهان‌بان، علی که دین را پناه است و حق را ولی

بپرداختم یادگاری چنین به یاران خود، دستیاری چنین

بماندم که چون من نمانم به جای بود رهنمونشان به هر دو سرای

(نزاری قهستانی، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

پروین رضایی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان "آموزه‌های تعلیمی - اخلاقی در غزلیات حکیم نزاری قهستانی" به بررسی و تحلیل محتوایی آماری آموزه‌های تعلیمی در غزلیات حکیم نزاری پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که نزاری در غزلیاتش خوانندگان را به فضایل مهم اخلاقی و انسان‌ساز مانند صبر، توبه، مهربانی، عفو، خُلق نیک، قناعت و وفای به عهد دعوت می‌کند و از رذایلی مانند کینه، حرص، مکر و حيله، غرور و عُجب، آزار دیگران، و غیره برحذر می‌دارد. یوسف صفیان بلداچی، احمد رضا یلمه‌ها و عطا محمد رادمنش (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان "علل و انگیزه های کاربرد مضامین تعلیمی در منظومه غنایی ازهر و مظهر نزاری قهستانی" به چرایی بازتاب مضامین تعلیمی در این منظومه پرداخته‌اند.

تجلی اردکانی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به بررسی امامت و تعلیم در شعر ناصر خسرو و نزاری قهستانی پرداخته‌اند.

علیاری (۱۳۹۴) به بررسی و پژوهش در مذهب و عقاید نزاری قهستانی، مذهب و عقاید این شعر را بررسی کرده است.

یکی دیگر از موضوع‌هایی که در مضامین عرفانی، نزاری به آن توجه ویژه‌ای داشته، تجلی عشق بوده است. محمد بهنام فر و حمیده جلیلی (۱۳۹۳)، پژوهشی در زمینه تجلی عشق در اشعار حکیم نزاری انجام داده‌اند.

محمدحسن الهی‌زاده (۱۳۹۳) در مقاله‌ای مفاهیم مربوط به اهل بیت (ع) را در اشعار نزاری مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. نتایج پژوهش وی حاکی از آن است که نزاری، حضرت علی (ع) را مقتدا و ولی می‌داند و مضامین استفاده‌شده با اشعار فردوسی و ناصر خسرو یکسان است.

با توجه به پژوهش‌های یادشده، پژوهشگران و نویسندگان به دلیل وجود منابعی هرچند اندک به تحقیق در مورد ابعاد گوناگون نزاری پرداختند. نزاری در غزلیات خود بر مضامین عرفانی و اعتقادی که پایه و اساس هر تفکری می‌داند، پرداخته و در تمامی مضامین نصیحت‌هایی برای مردمان بر جای گذاشته است؛ اما در این میان پژوهشگران توجه چندانی به این موضوع که نشان‌دهنده زندگی شاعری و مذهبی اوست، توجه چندانی نداشتند. به همین دلایل، با کمک منابع موجود به بررسی آموزه‌های عرفانی و اعتقادی در آثار حکیم نزاری قهستانی می‌پردازیم.

۳-۱- روش پژوهش

روش انجام تحقیق حاضر بر اساس ماهیت کاربردی و به لحاظ جمع‌آوری اطلاعات از نوع توصیفی است که به روش تحلیلی و اسنادی با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه آثار حکیم نزاری است و منابع مرتبط درباره زندگی و شرح احوال حکیم نزاری مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. در تحقیق حاضر با توجه به اینکه ابعاد اعتقادی و عرفانی حکیم نزاری مورد توجه بوده است، نمونه‌گیری هدفمند انجام شده است. بدین منظور از بین منابع جمع‌آوری شده مرتبط‌ترین منبع جهت استخراج ابعاد اعتقادی و عرفانی حکیم نزاری مورد استفاده قرار گرفته است. ابزار گردآوری داده‌ها سیاهه یا فیش‌هایی بود که با توجه به نوع موضوع و معیارهای انجام تحقیق طبقه‌بندی، تحلیل و تدوین شد.

۲- بحث اصلی

عرفان از جمله علوم است که به خداوند و مظاهر و صفات او می‌پردازد و حقایق عالم و بازگشت به ذات احدی را همچون راهنما به انسان یادمی‌دهد (یثربی، ۱۳۸۴: ۲۸). در عرفان خودشناسی و ترک نفس هدف اساسی است؛ زیرا با این دو اصل می‌توان به مسیر الهی دست یافت.

پایه تمامی مفاهیم عرفانی و اخلاقی، مقوله اعتقادی یک فرد است. حکیم نزاری جزو شاعران شیعه به حساب می‌آید با این تفاوت که وی شیعه شش امامی (اسماعیلیه) محسوب می‌شود. نزاری به دلیل اعتقاد به مذهب اسماعیلیه، اشعارش را بر همین پایه نوشت. اما آنچه که نزاری را به پرداختن به این موضوع مصّر کرده، اعتقادات و عقاید او بوده‌است. وی با توجه به آنکه به مذهب اسماعیلیه گرایش داشته و در جایی به عقاید صوفیه و در هر دو پایه اصلی اعتقادات بر پایه عرفان و باطن بوده، به همین دلیل اعتقادات خود را در سالیان زندگی دخیل و در اشعارش به آن اشاره کرده‌است (بیکی، ۱۳۹۳: ۲۱). در ادامه به برخی موضوعات که در هر دو مشترک و نزاری درمورد آن‌ها نوشته‌است، پرداختیم. برخی از این مضامین شامل خداوند، حضرت محمد (ص)، امامت، قیامت و غیره است.

۱-۲- اخلاص

اخلاص در لغت به معنای ترک ریا در طاعات و عبادات و در اصطلاح به معنای پالایش قلب از پلیدی‌ها و کدورت‌ها است. از آن‌جهت که نزاری به دلیل تقیه به صوفیان روی آورده‌بود، اخلاص در اصطلاح صوفیان به معنای «پاک داشتن قصد و نیت است از ملاحظه غیر حق و از کلیه محظوظ، خواه دنیوی و خواه اخروی» و بعضی معنای اخلاص را این‌گونه گفته‌اند: «آن است که غرض از عمل تنها تقرب به خدای تعالی باشد» (فروزانفر، ۱۳۷۴: ۱۷۱).

مقصود ما حصول رضا و جوار تست ورنه چه بیش و کم ز حیات و ممات ما

بی یاد تو اگر نفسی می‌رود هب است آری خلاصه یک نفس است از حیات ما

(نزاری، ۱۳۷۱: ۴۸۵).

نزاری در اشعارش علاوه بر اخلاص، به مخلص هم اشاره کرده‌است. از نظر وی مخلص کسی است که در انجام هر عملی از میل و خواسته خود صرف‌نظر می‌کند و به قصد تسلیم به امر خداوند، اوامر او را انجام می‌دهد. اخلاص کامل‌ترین روش برای غلبه بر نفس است. انسان مخلص، همیشه در درجه اول به پرورش خود و کمالاتش می‌پردازد؛ زیرا مقدمه تقرب به خداوند، شناخت و افزایش ایمان خود بنده است؛ به همین دلیل انسان باید تمام اعمالش را در راستای اوامر الهی و به قصد تقرب به خداوند انجام دهد (بیکی، ۱۳۹۳: ۶۵-۶۶).

معرفت باید و اخلاص که بی صدق و صفا کم ز زنا و صلیب است ردا و تسبیح

(نزاری، ۱۳۷۱: ۹۷۳).

حضور و غیبت یاران مخلص مختلف نبود حذر اولاتر از یاری که در غیبت دگر باشد

محب صادق یکدل دو چشم از غیر بر بندد به هر کس باز نگشاید مگر صاحب نظر باشد

(نزاری، ۱۳۷۱: ۱۰۶۹).

نزاری در دوران زندگی خود به دین و امور دنیوی دور و چشم خود را می‌بندد تا بنده‌ای مخلص گردد و به سایه امن بندگی راه یابد.

دین و دنیا به نزد ما دو زن اند سه طلاق اند هر دو گانه ما

(نزاری، ۱۳۷۱: ۵۵۳).

دو چشم از هر چه غیر اوست بر بندد اگر با دوست می‌خواهی ملاقات

(نزاری، ۱۳۷۱: ۶۰۰).

حکیم نزاری، نشانه اخلاص را در برابر نفس ایستادن و خضوع در برابر خداوند می‌داند؛ زیرا هر چه انسان در برابر قدرت نفس ایستادگی کند و معنویت را در وجود خود پرورش دهد باعث پاکی و تقرب به خداوند می‌شود.

پایی به وفا در ره اخلاص بکوبید دستی به صفا گرد موالات برآید

از خود به در آید و ملاقات ببینید تسلیم بباشید و مرادات برآید

دست از من و ما و خودی خویش بدارید دود از هبل و برهمن ولات برآید

(نزاری، ۱۳۷۱: ۱۱۸۶).

گر به پای جان توانی حج گزارد هر سحر در کعبه بگزاری نماز

ترک اینها کن نزاری قصه چیست محو شو در دوست اینک مخ راز

(نزاری، ۱۳۷۱: ۱۲۴۲).

از طرفی دیگر نزاری معتقد است که انسان باید دل خود را با اخلاص پاک کند تا از هر گونه خودبینی به دور باشد و بتواند حقیقت الهی را ببیند و اگر این کارها را انجام ندهد در خودخواهی فرو خواهد رفت.

روی دل کسان نتوان دید و روی دوست گر روی دوست خواهی منگر به روی خویش

تا از نسیم دوست شود ممتلی دماغ باید که برنتابی از باد بوی خویش

(نزاری، ۱۳۷۱: ۱۳۲۸).

وجود اخلاص در انسان علاوه بر پاکی دل باعث می‌شود که پشتوانه محکمی چون خدا را داشته- باشد تا بتواند به راه سعادت در سایه لطف پروردگار قرارگیرد.

فارغم از نام و ننگ و صلح و جنگ هیچ دیگر نیست از خود رسته‌ام
یافتم از چاه ظلمانی خلاص زان که در حبل‌المتین پیوسته‌ام
(نزاری، ۱۳۷۱: ۳۸).

۲-۲- خداوند

یکی از مهم‌ترین مضامین اعتقادی که نزاری در غزلیاتش استفاده کرده، اعتقاد به خداوند متعال است. وی سفرنامه خویش را با سوره توحید که به ذات احدیت الهی اشاره دارد، شروع کرده‌است:

قل نزاری قل هو الله احد ابتدا کن ذکر الله الصمد
لم یلد بی مثل و لم یولد که هست قدرتش دارنده بالا و پست
لم یکن باکا به کفوا احد کافرید از خاک انسان را جسد
(بهنام فر، ۱۳۹۳: ۸۳۴).

حکیم نزاری به توکل بر خداوند و رضا به اوامر او نیز معتقد است. وی طلب هر چیزی از خداوند را برای انسان حرام دانسته و این اتفاق را نهایت جهل و نادانی یک فرد می‌داند.

کای نزاری ازمودی بارها خویشتن‌بینی مکن در کارها
از خدا چیزی به زاری خواستن وز پی آن قاصدا برخاستن
غایت جهل است و حد احمقی پس رضا ده گر توکل بر حق
از خدا چیزی که خواهی می‌دهد لیک اندر شهد حنظل می‌نهد
هرچه خواهی از خدا باشد حرام تا بخواهی جز خدا را والسلام
(بهنام فر، ۱۳۹۳: ۸۳۵).

همچنین وی امر مطلق را از آن خداوند متعال می‌داند و سایر امورات را نیز بی‌ارزش دانسته‌است. نزاری تمامی پیامبران و ائمه را که وسیله امورات الهی دانسته و امر مطلق را از آن خداوند می‌داند:

هر که او مأمور امر مطلق است گر همه باطل کند عین حق است
امر و مأمور اگر بر اصل نیست هر دو هستند از یقین در اصل نیست

امر مطلق خداوند است و بس نیست امر کو بود مأمور کس
هر چه دیگر غیر فرمان خداست پیش اهل معرفت کلی هب است
(بهنام فر، ۱۳۹۳: ۸۳۶).

نزاری در جای دیگری با استفاده از تلمیح به حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه»، خودشناسی را مقدمه خداشناسی می‌داند و بر این معتقد است که خداوند را باید با کمک نعمت‌های الهی شناخت:

خویش را چون نیک بشناسی به خویش پس حجاب نفس برداری ز پیش
بعد از ان حق را به حق باید شناخت او بود کو را به او باید شناخت
او به او یعنی به نور، نور او نور او اعلی به حق دستور او
(بایوردی، ۱۳۹۱: ۱۳۸).

شاعر در سفرهای پیاپی خود به‌خاطر خستگی و رنج سفر، به‌سوی خداوند گله و شکایت می‌کند؛ اما بعد از مدتی از کرده خود پشیمان می‌شود و دست به توبه می‌زند:

پیر کرد اندر جوانی غربتم سیر کرد از زندگانی غربتم
نی چه می‌گویم خدا یا دستگیر ناسپاسی نیست عذرم در پذیر
(بایوردی، ۱۳۹۱: ۱۵۰).

در پایان سفرنامه، نزاری سفر خود را با نیایش از خداوند به پایان می‌رساند و از مشکلات و غفلت‌ها از خداوند عذرمی‌خواهد و دست بر یاری برمی‌دارد و می‌گوید: «هرچه خواهی، کن تو دانی والسلام».

بی نیازا بر نیاز ما ببخش گرچه غفلت کرده‌ایم اما ببخش
پای در گل ماندگان را دستگیر عذر ناهموارگان را در پذیر
همچو یوسف‌شان برار از چاه تنگ همچو یونس‌شان امان بخش از نهنگ
بی‌کسان را یاوری کن در سفر طالبان را بر تمناده ظفر
با وطن سرگشتگان را ره‌نمای این برون افتادگان را در گشای
اهل ایمان را بکن طاعت قبول حشرونشر جمله با ال رسول
بنده بخشایی گرانی می‌کنم وین لجاج از تیره‌جانی می‌کنم

ما چه خواهیم از تو مشتی ناتمام هرچه خواهی کن تو دانی و السلام
(بهنام فر، ۱۳۹۳: ۸۴۰).

۳-۲- حضرت محمد (ص)

حکیم نزاری در سفرنامه خود بعد از حمد و ثنای خداوند، به ستایش پیامبر اکرم (ص) می‌پردازد و او را سجده‌گاه جن و انس و ائمه دانسته و اسلام را دینی بی‌مشکل معرفی می‌کند. وی بعد حمد و ثنای پیامبر (ص) بر هر شخصی که این اعتقاد را قبول دانسته، درود فرستاده و به سبب همین کار از بیان فرقه‌ای خاص دوری کرده است.

نزاری بعد از خداوند و پیامبر اکرم (ص) بر این معتقد است که تنها «حق» است که آیین پیامبر (ص) را حفظ کرده و دین اسلام به‌غیر از پیامبر (ص) به ریاستی نیاز ندارد:

پیشوای اهل ایمان <u>مصطفی</u>	شخص موجودات را جان <u>مصطفی</u>
ان <u>محمد</u> کز قبول داورش	سجده‌گاه جن و انس آمد درش
امتی صادق به قول بی‌خلاف	کرده بر صدقش دوعالم اعتراف
مظهر دعوت به دین بی‌خلل	مکمل سنت به علم بی‌بدل
بعد حمد احمد و نعت رسول	آفرین بر جان هر صاحب قبول
من ز حق گویم که نپسندد خرد	هرگز از باطل نگویم نیک و بد
ان به حق بر جای حق بنشستگان	وان به حق چون رگ به جان پیوستگان
بدعت اندازان دین برداشته	رسم و آیین <u>پیمبر</u> داشته
داستانی از ریاست بی‌نیاز	پاک‌دین و پاک‌رأی و پاک‌باز
جمله صاحب در اما بی مرض	جمله عین عشق اما بی غرض

(بهنام فر، ۱۳۹۳: ۸۴۰-۸۴۱).

همچنین نزاری اشاره می‌کند که باید به راه و نسل ذریه پیامبر اکرم (ص) توجه داشت و صدق و صفا و پاکی در این راه وجود دارد که باعث رستگاری انسان‌ها خواهد شد.

گرت راه بایید به اهل صفا طلب کن ز ذریه مصطفی

به ذریه و عترت مصطفی به خاصیت اهل صدق و صفا
که شاه جوان بخت را یار باش ز افات دهرش نگه‌دار باش
(نزاری قهستانی، ۱۳۹۲: ۲۰-۲۲).

۴-۲- امامت

یکی از پررنگ‌ترین و پریسامدترین ذهنیت و اعتقاد شاعر، اعتقاد به امامت است. حکیم نزاری به دلیل پیروی از مذهب اسماعیلیه، در اشعارش از اعتقاداتش صحبت به میان آورده که برخی از عقایدش با شیعیان دوازده امامی مشترک است. اعتقاد نزاری به مبحث امامت آن‌چنان هویدا بود که حسامی قهستانی، نویسنده کتاب تاریخ قهستانی، یکی از کسانی بود که به امامی بودن حکیم نزاری اشاره کرد:

دروغم چنان پر کن از حب ال علی که در وی نگنجد دگر قیل و قال
(نزاری قهستانی، ۱۳۷۱: ۲۶۰).

اسماعیلیان در زمینه امامت معتقدند که شناخت خداوند از طریق پیروی از راهنمایی‌های امام وقت امکان‌پذیر است.

جمال باطن دیدن به دیده ظاهر همان حکایت موسی و طور و انوار است
به چشم دوست توان دید، روی دوست بلی به خویش دیدن بر جهل خویش اصرار است
(بهنام فر، ۱۳۹۳: ۴۲).

نزاری همچنین بیان می‌کند که راه شناخت خداوند فقط از طریق امام وقت ممکن است و این نوع کامل‌ترین راه برای شناخت خداوند است؛ زیرا خداوند خود راه را به امام می‌نماید چراکه خالق را کسی جز خالق نمی‌تواند بشناسد (بایبوردی، ۱۳۷۰: ۷۰-۷۱).

همچنین فقط انسان‌های پاک قادر به شناخت و درک بزرگ‌ترین علم‌هایند. اگر انسان بخواهد در خلقت الهی تدبیر و به علوم دست پیدا کند؛ مستلزم معلمی است که از سوی خداوند انتخاب و این مفاهیم را فرا گرفته باشد و این شخص امام است و همچنین معتقد است که در مباحث امامت و ایمان داشتن به انسان عالم و کامل، جایی برای شنیدن سخنان احمقان و نادانان نیست:

گوش کن پند نزاری گوش کن بشنو ای فرزند جانی از پدر
پس رو رأی و قیاس خود مباح الحذر از بت پرستی الحذر

هم بدو بشناسی او را والسلام نیست الا وجهه وجهی دیگر

(بهنام فر، ۱۳۹۳: ۴۲).

ای یار، یک نصیح یارانه بشنو از من مگر و به رای ناقص، مشنو حدیث احمق

(نزاری قهستانی، ۱۳۷۱: ۱۳۵۹).

در جای دیگری نزاری ه اطاعت محض از امام را مطرح می‌کند و معتقد است اطاعت محض و کامل از دستورات رهبری همانند اطاعت از اوامر الهی است:

گرت به بتکده خواند، کمر ز دین بگشای ورت به کفر اشارت کند، ببند میان

که گر گناه به فرمان کنی، بود طاعت و گر خلاف کنی، طاعت بود عصیان

(نزاری قهستانی، ۱۳۷۳: ۲۰۱).

گرم به نور اشارت کنند و گر به ظلم به هر طریقه که فرمان دهند، مأمورم

حاضران وقت و مأموران امر مطلقیم تا نپنداری که از آن آشنا بیگانه‌ایم

(نزاری قهستانی، ۱۳۷۳: ۱۰۴).

و لیک من بر سر خود نمی‌توانم بود که هست قاعده بر امری و ماموری

(نزاری قهستانی، ۱۳۷۳: ۵۰۳).

۵-۲- تولی و تبری

تولی به معنای دوست داشتن و پیروی از دستورات اولیای الهی و تبری به معنای دوری و دشمنی جستن با دشمنان الهی است. با توجه به اعتقاد شیعیان، در حال حاضر حضرت قائم آل محمد (عج)، امام وقت و مقتدای عارفان است پس باید به امام تولی جست:

اری اری، مقتدای عارفان، قائم بود قائمی اما که باشد ذات او قائم به ذات

گر تولا می‌توانی کرد اینک مقتدا پس مسلم شد، تبرا کن ز کل کائنات

(نزاری قهستانی، ۱۳۷۳: ۶۱۰).

حکیم نزاری یکی از شاعران و ارادتمندان اهل بیت(ع) است که در دوران جنگ و خفقان اعتقادی، محبت و عشق خود را نسبت به این خاندان در اشعار نشان داد و سعادت دنیوی و اخروی را در گروه محبت به اهل بیت(ع) و نابودی انسان را در دشمنی با آنان دانست:

من عرف نفسه برهاند تو را ز تو ورنه همه تصور تو عین کثرت است

بشنو که نکته‌های نزاری معتقد در گردن قبول و ادای تو حجت است
اسرار در محبت ال است و السلام بدبخت را به جای محبت، عداوت است
(نزاری قهستانی، ۱۳۷۱: ۶۳۴).
درونم چنان پر کن از حب ال که دیگر نگنجد در آن، قیل و قال
(نزاری قهستانی، ۱۳۷۱: ۲۶۰).

۶-۲- امام حسین (ع)

حکیم نزاری در مناظره روز و شب، ابیات ۲۰۰ تا ۲۰۳ به روز عاشورا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش، می‌پردازد. وی اشاره می‌کند که قیام امام حسین (ع) روشنایی برای مردم ایجاد کرده و دشمنان را سرزنش می‌کند.

تو که در دشت کربلا دید که چه می‌رفت و می‌پسندیدی
گشتی آن روز یار اهل سعیر دشت و صحرا بتافتی چون اثر
قصده فرزندان مصطفی کردی یا پیمبر چنین وفا کردی
چه توقع کند ز مهر تو کس یادگار این منافق ز تو بس
(نزاری قهستانی، ۱۳۸۵: ۵۸).

۷-۲- قیامت

یکی دیگر از مفاهیمی که در اعتقادات نزاری حائز اهمیت بوده، قیامت است. وی قیامت را با بهشت و دوزخ یکسان دانسته و به صورت مجزا به این موضوع پرداخته است. شاعر به عنوان یکی از پیروان اسماعیلیه همانند بزرگان این مذهب معتقد است که قیامت مدت‌هاست فرارسیده و دیگر قیامتی وجود نخواهد داشت.

قیامت آن زمان از خلق برخاست که شد حکم زمین با آسمان راست
بیا معلم کن طی السموات ببین تا دایه الارض از کجا خاست
اگر بر خیزی از خواب جهالت قیامت قائم و روشن هویداست
به نقد امروز اگر دیدی و گرنه نصیب دیگران دان هر چه فرداست

رضای دوست حاصل کن نزاری بهشت سمرمدی اینک مهیاست
(نزاری، ۱۳۷۱: ۶۴۲).

۸-۲- قضاوقدر

جز که بر تقدیر بندی هیچ عذر نیستت کمتر به هم بر پیچ عذر
(بایبوردی، ۱۳۹۱: ۱۰۲).

حکیم نزاری، اعتقاد بسیاری به قضاوقدر دارد، در این باره می‌گوید: «هر چه پیش آید به جز تقدیر نیست، و بهتر است با امر قضا مقابله نکرد؛ زیرا دفع حکم رفته را تدبیر نیست و سعی و جهد برای تغییر قضا غیرممکن است، بنابراین باید در مقابل قضاوقدر، تسلیم شد و راضی به رضای او بود و با نیک و بدکاری نداشت»

کارها موقوف وقت است ای اخی	با <u>قضا</u> بهتر بود گر کم چخی
هر که پیش از وقت کاری پیش رفت	از پی نقصان کار خویش رفت
هرچه پیش آید به جز <u>تقدیر</u> نیست	دفع حکم رفته را تدبیر نیست
هر کجا نان پاره‌ای باید شکست	(بایبوردی، ۱۳۹۱: ۱۵۰-۱۵۱).
چون حواله شد به جای دیگر اب	می‌کند <u>تقدیرت</u> آن جا پای‌بست
چون به جهد از ما نمی‌گردد <u>قضا</u>	در سر اندازد <u>قضا</u> از بس شتاب
هرچه پیش آید بر ان انکار نیست	بعدازاین ماییم و تسلیم و رضا
	خلق را با نیک و با بد کار نیست
	(بایبوردی، ۱۳۹۱: ۱۵۱).

۹-۲- اختیار

یکی از ویژگی‌های اعتقادی نزاری در کنار قضاوقدر، اختیار است. نزاری معتقد است که انسان با قوه اختیار می‌تواند نیک‌بختی و بدبختی خود را رقم‌بزند و نمی‌تواند اشتباهات و مشکلاتی که ناشی از بی‌فکری خود انسان است، را به تقدیر نسبت دهد:

کس نکردست این ستم بر خود که تو	بد چنین راغب نشد بر بد که تو
گر دلت ازده شد خود خسته‌ای	وز کزست این پرده خود بر بسته‌ای

شاخ اگر پست است در باغ ار بلند	خویشتن پرورده‌ای بر کس مبند
طالع ار مسعود اگر منحوس بود	خود گرفتی از پشیمانی چه سود
تیر مقصود از هدف دور اوفتاد	خود خطا کردی نظر وقت گشاد
خود برانیدی و شد بر اوج باز	ریش می کن گر نیاید بیش باز
چون به دست خود تبر بر پا زنی	پس بر اهنگر چرا لعنت کنی
آتش اندر بیشه خود افروختی	خون گری اکنون که رخت سوختی
جز که بر تقدیر بندی هیچ عذر	نیست کمتر به هم بر پیچ عذر

(بایبوردی، ۱۳۹۱: ۱۰۱-۱۰۲).

۱۰-۲- طالع

نزاری در اشعارش به این موضوع توجه چندانی نداشته فقط در چند بیت اعتقاد خود را نسبت به طالع بیان کرده‌است:

طالع فرخنده ز اختر در گرفت	وز قهستان عزم اردو بر گرفت
----------------------------	----------------------------

(بایبوردی، ۱۳۹۱: ۴۰).

ای دل آخر چند گویم توبه کن	اعتبار از طالع اعجوبه کن
----------------------------	--------------------------

(بایبوردی، ۱۳۹۱: ۷۵).

در جای دیگری نزاری، مسعود یا منحوس بودن طالع را به اختیار انسان نسبت داده‌است:

طالع ار مسعود اگر منحوس بود	خود گرفتی از پشیمانی چه سود
-----------------------------	-----------------------------

(بهنام فر، ۱۳۹۳: ۸۵۰).

۱۱-۲- خرافات

یکی از ویژگی‌هایی که در زمان‌های گذشته بسیار به آن می‌پرداختند، خرافات بوده‌است. نزاری هم مانند برخی از بزرگان به مخالفت با این موضوع برخاسته و کرامات را در مقابل خرافات قرار داده و در ابیاتش با مفاهیم علم پزشکی و مسلک درویشی نیز نشان داده‌است:

جز حکیمان صلاح اندیش را ز آدمی مشمر صلاح خویش را

باز گفتن زین غرض ان است و بس تا ندانی هر طیبی را به کس
گر نه ز اوّل در خرافات امدی پیش من صاحب کرامات امدی
(بهنام فر، ۱۳۹۳: ۸۵۰-۸۵۱).

وی در بیتی دیگر، به سرزنش درویشی می‌پردازد که به‌خاطر غرور کاذب، خود را هم ردیف خداوند متعال دانسته‌است:

این نه درویشی که طامات است و بس بلکه سرتاسر خرافات است و بس
(بهنام فر، ۱۳۹۳: ۸۵۱).

۱۲-۲- باطن‌گرایی

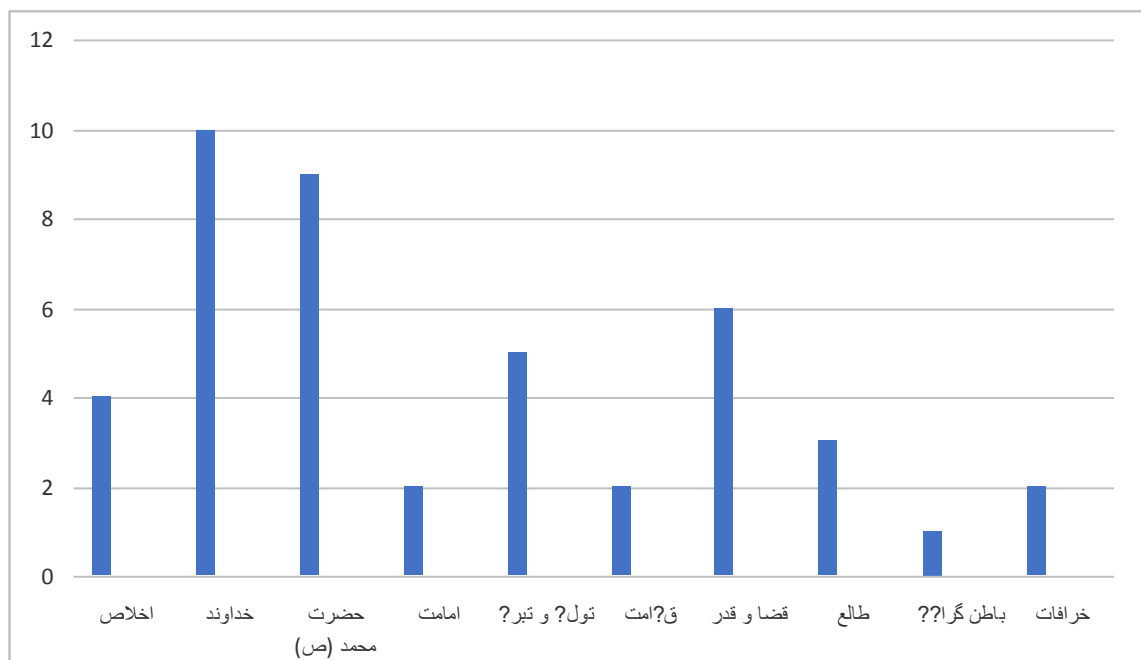
باطن‌گرایی یکی از ویژگی‌های مذهب اسماعیلی است که تأکید فراوانی بر باطن دین دارند. حکیم نزاری به آن دلیل که از پیروان این مذهب بوده و به همین منظور در اشعارش از محتوای این مذهب استفاده کرده‌است. به‌خاطر این ویژگی است که نام دیگر این مذهب را باطنیه نامیدند.

نزاری در سفرنامه خود با بیانی قلندری در مورد عقاید باطنی چنین سخن به میان آورده‌است:

گر صفا در ارزق و در اخضر است هر مرقع پوش خضری دیگر است
پس رو خضری رها کن اعتراض نفس منکر ار سواد است و بیاض
ور به‌صورت با میان آری نفاق بر تو خواند عاقبت هذا فراق
تا نگرdd باطن درویش صاف نشکند بر لشکر سلطان مصاف
مرد صافی کی شود صوفی به صوف شعر بی‌معنی و خط زیبا حروف
فقر تا خالی نباشد از فضول باز نتوان امد از ردّ و قبول
نفس را زیر قدم باید نهاد دین و دنیا در عدم باید نهاد
تا سرت زیر قدم نهی به فخر دست معنی کی رسد بر طاق فقر
(بهنام فر، ۱۳۹۳: ۸۵۲-۸۵۳).

جدول شماره ۱: مهم‌ترین آموزه‌های عرفانی و اعتقادی در آثار حکیم نزاری قهستانی

بسامد	خصایص عرفانی و اعتقادی
۴	اخلاص
۱۰	خداوند
۹	حضرت محمد (ص)
۲	امامت
۵	تولی و تبری
۲	قیامت
۶	قضا و قدر
۳	طالع
۱	باطن گرایی
۲	خرافات



نمودار شماره ۱: مهم‌ترین آموزه‌های عرفانی و اعتقادی در آثار حکیم نزاری قهستانی

۳- نتیجه گیری

دیدگاه عرفانی و اعتقادی حکیم نزاری در غزلیاتش نشان‌دهنده مفاهیمی است که مورد نظر بسیاری از شاعران بوده‌است. نزاری در قالب اشعار انسان را به تفکر در خلقت، نعمت‌های الهی و پیروی از اهل بیت (ع) که هموارکننده راه الهی است، دعوت کرده‌است. نزاری همچنین اشاره می‌کند که اگر انسان از روی صداقت و حقیقت خود را با اوامر الهی منطبق سازد و اخلاص بورزد از نفس اماره خود در امان خواهد بود. مهم‌ترین آموزه‌های عرفانی و اعتقادی در آثار حکیم نزاری قهستانی عبارتند از اخلاص، خداوند، حضرت محمد(ص)، امامت، تولی و تبری، قیامت، قضا و قدر و غیره. نزاری همچنین بیان می‌کند که راه شناخت خداوند فقط از طریق امام وقت ممکن است و این نوع کامل‌ترین راه برای شناخت خداوند است؛ زیرا خداوند خود راه را به امام می‌نماید چراکه خالق را کسی جز خالق نمی‌تواند بشناسد. می‌توان نتیجه گرفت که آموزه‌های اعتقادی شیعه نگر نزاری در اشعارش در مفاهیم مختلفی قابل مشاهده است. وی امامت را پایه و اساس دین و راهنمای الهی می‌داند و تمامی اصول دین و صفات و رستگاری را حول محور امامت می‌داند، به همین دلیل است که در اشعارش مخاطبان را به این موضوع دعوت کرده و از عقایدش دفاع نموده‌است.

منابع و مآخذ

- ۱- بایبوردی، چنگیز غلامعلی. (۱۳۷۰). *زندگی و آثار نزاری*. ترجمه مهناز صدری. تهران: علمی.
- ۲- بایبوردی، چنگیز غلامعلی. (۱۳۹۱). *سفرنامه*. به اهتمام محمود رفیعی. تهران: هیرمند.
- ۳- بهنام فر، محمد. (۱۳۹۲). *وی دل مولانا: دریافت‌های عرفانی مولوی از آیات قرآن در مثنوی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۴- فروزانفر، بدیع‌الزمان. (۱۳۷۴). *شرح مثنوی شریف*. ۳ جلد. تهران: زوار.
- ۵- نزاری قهستانی، سعدالدین بن شمس‌الدین. (۱۳۷۱). *دیوان حکیم نزاری قهستانی*. تصحیح مظاهر مصفا. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ۶- ----- (۱۳۷۱). *دیوان غزلیات*. ۱ جلد. تهران: انتشارات علمی.
- ۷- ----- (۱۳۹۲). *ادب نامه*. به کوشش محمود رفیعی. تهران: هیرمند.
- ۸- یربئی، سید یحیی. (۱۳۸۴). *عرفان نظری*. قم: بوستان کتاب.

مقاله‌ها

- ۱- الهی زاده، محمدحسین. (۱۳۹۳). *اهل بیت (ع) در شعر نزاری*. مقاله ارائه شده در همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی. بیرجند.
- ۲- بهنام فر، محمد. (۱۳۹۳). *چکیده مقالات همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی*. تصحیح حامد نوروزی، و کلثوم قربانی جویباری. بیرجند: چهار درخت.
- ۳- بهنام فر، محمد، و جلیلی، حمیده. (۱۳۹۳). *تجلی عشق در شعر حکیم نزاری قهستانی*. همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی. <https://sid.ir/paper/859386/fa>
- ۴- تجلی اردکانی، اطهر و محمدی، محمدعلی و عربی، فیروزه. (۱۳۹۳). *امامت و تعلیم در شعر ناصر خسرو و نزاری قهستانی*. مجموعه مقالات همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی. بیرجند: نشر چهار درخت. صص ۹۱-۱۱۹.
- ۵- رضایی، پروین. (۱۴۰۰). *آموزه‌های تعلیمی- اخلاقی در غزلیات حکیم نزاری قهستانی*. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی. ۵۰(۱۳)، صص ۱-۳۰.

۶- صفیان بلداجی، یوسف و یلمه‌ها، احمدرضا و رادم‌نش، عظامحمد. (۱۳۹۹). علل و انگیزه‌های کاربرد مضامین تعلیمی در منظومه غنایی ازهر و مزهر نزاری قهستانی. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۱۲(۴۵)، صص ۷۷-۱۰۶.

۷- علیاری، شمس. (۱۳۹۴). بررسی و پژوهشی در مذهب و عقاید نزاری قهستانی، مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی، بازیابی شده از <https://www.sid.ir/paper/851299/fa>

۸- مجتهدزاده، علیرضا. (۱۳۴۵). نزاری قهستانی. پژوهشنامه جامع علوم انسانی، ۱(۸)، صص ۲۹۸-۳۱۵.

پایان‌نامه

۱- بیکی، شکرالله. (۱۳۹۳). «تحلیل محتوایی غزلیات حکیم نزاری». زینب نوروزی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند. گنج.

<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/ada3dde51e087b5b98f872ae4161ccc>